



<http://www.arianafghanistan.com>

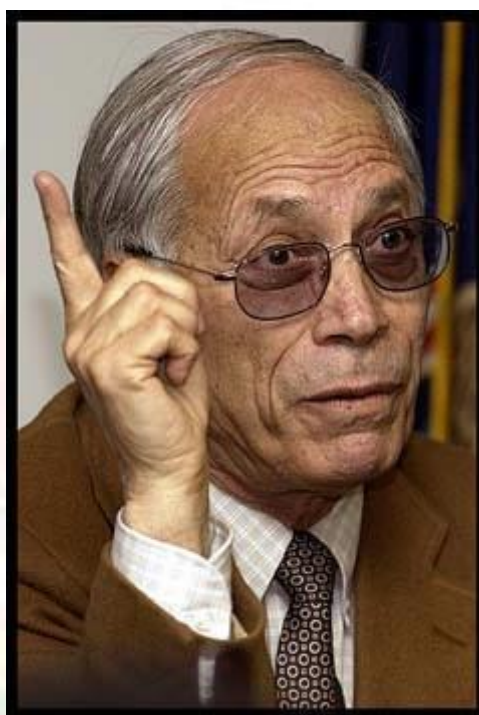


۲۰۱۷/۰۱/۰۷



داکتر م. عثمان تره کی

وفات دوکتور حسن کاکړ یک ضایعه اکادمیک و علمی



با تأسف اطلاع حاصل شد که پوهاند دوکتور حسن کاکړ شخصیت اکادمیک و علمی در دیار مهاجرت چشم از جهان پوشید.

رادیو های خارجی که به استقامت افغانستان نشرات دارند خبر وفات و مختصر سوانح پوهاند دوکتور کاکړ را پخش کردند، بی آنکه از زندانی شدن او به مثابه یکی از دست آورد های سیاسی نامبرده کلمه یی ذکر کنند. این بی تفاوتی یک دلیل میتواند داشته باشد: ذهنیت سازی درین جهت که مقابله با اشغال خارجی نه در گذشته و نه در حال افتخار نمی آفریند.

باید به یاد داشت که در زمان اشغال شوروی مدیا و مطبوعات غرب روزی نبود که راپور های سازمان های مدافع حقوق بشر را در مورد استادان زندانی پخش نکنند و از آن به عنوان افزار فشار بر شوروی استفاده ننمایند.

برای ارج گذاری پیوستن دوکتور کاکر به مقاومت پوهنتونی و نتیجتاً تحمل چندین سال زندان، بد نیست، خلاص سوانح وی را که توسط ژانس های خبری نشر شده است، با چند کلمه اكمال کنیم.

من با دوکتور کاکر قبل از تهاجم شوروی به افغانستان در حد احوالپرسی در دهلز های پوهنتون آشنایی سطحی داشتم. اشغال افغانستان و بخصوص جا به جایی یک یونت نظامی روسی در حریم پوهنتون حساسیت ها را برانگیخت و تفاهم میان استادان را برای دفاع از حریم پوهنتون لایبی گردانید. فضای مساعدی برای ایجاد پیوند های عقیدوی و فکری میان استادان فراهم شد. قرار بر این شد که اولاً از مجرای سازماندهی تحریم دروس زمینه تبلیغاتی احتجاج اکادمیک علیه اشغال فراهم شود و سپس با ارزیابی کمیت علاقمندی استادان، امکانات تشکیل یک اتحادیه صنفی فراهم گردد.

تحریم دروس در فروری ۱۹۸۰ در پوهنخی حقوق آغاز شد. زمینه توسعه دامنه تحریم در پوهنخی های ادبیات و علوم بشری، اقتصاد، طب، فارمسی و غیره در حال آماده شدن بود که دوکتور سید احمد عضو حزب پرچم و منشی کمیته حزبی پوهنتون کابل در رأس هیأت حزبی و دولتی، استادان پوهنخی حقوق را با سراسیمگی طی مجلسی دیدن کرد. پس از مناقشه طولانی و رد و بدل شدن صحبت سید احمد استادان مخالف را مخاطب قرار داده گفت: «... هرگاه برخورد مسالمت آمیز به نتیجه دلخواه نرسد، حزب از بکار بستن شدت عمل دریغ نخواهد کرد».

تحریم دروس که مرکز آن پوهنخی حقوق بود در سراسر پوهنتون در حال گسترش بود. به موازات آن اساسنامه اتحادیه صنفی تنظیم و جلب و جذب آغاز یافت. بسیاری استادان از جمله دوکتور کاکر، علاقمند به فعالیت سیاسی در کنار کار صنفی بودند. همزمان با تشکیل اتحادیه صنفی فعالیت سیاسی با تشکیل جبهه آزادیخواهان افغانستان بکار آغاز کرد. جبهه با پخش شب نامه ها از مؤسسات تعلیمی تا حریم سفارت های خارجی حضور خود را در سنگر مقاومت تثبیت کرد. جبهه در تلاش بود تا خود را در محور تفاهم گروه بندی های مختلف اپوزیسیون (حزب اسلامی، نهضت اتحاد ملی، حزب افغان ملت، گروه مبارزین مجاهد افغانستان ...) قرار دهد که معروض به حمله «خاد» شد. در حالیکه اعضای اتحادیه استادان و جبهه آزادی خواهان با ملاحظه دامنه توقیف حبس و اعدام مخالفین از افغانستان خارج شدند، آنهایی که باقی ماندند، مجبور به سکوت گردیدند یا روانه زندان شدند. دوکتور حسن کاکر مرحوم توقیف گردید و چار سال را در زندان گذراند.

دوکتور حسن کاکر شخص با کولتور، خوش برخورد، با دیانت، کنجکاو و دقیق بود. در بحث های سیاسی به آسانی میدان را به حریف خالی نمی کرد. گاهیگاهی مباحثات سیاسی میان من و او به مناقشه بسیار دوستانه می انجامید که هر یک به راه خود روان میشدیم.

کاکر از جهالت افغانانی که شکار دام تفرقه افگنی استخبارات خارجی می شوند همیشه رنج می برد. وی باری که زیاده روی ها، عصیانگری ها، و گندودی های موجود را میدید، برای اداره افغانستان شیوه «امیر عبدالرحمن خانی» را پیشنهاد میکرد. نامبرده تیزس دوکتورای خود را به موضوع سلطنت امیر عبدالرحمن اختصاص داده بود.

دوکتور کاکر طبع شوخ داشت. بعضاً سؤالات جدی را در لافافه شوخی جواب میداد:

وی را یک ماه قبل از من توقیف کردند. در جریان تحقیق از من معلوم شد که وی به اصطلاح مرا قلمداد کرده بود. روزی در زندان از کاکر انگیزه این کار را پرسیدم. وی به سادگی جواب داد که می خواستم «جنبه و پره» ما در زندان قوی شود...!

دوکتور کاکر در دفاع از اصول تا آخر زندگی در موضع واحدی باقی نماند:

وی که به جرم احتجاج به اشغال افغانستان توسط شوروی قریب چار سال رنج زندان را متحمل شد، هیچگاهی زبان اعتراض به اشغال کشور توسط امریکا نکشود. من کاکړ را نه منحيث یک شخصیت سیاسی بلکه به صفت یک غنیمت خوب علمی و اکادمیک می شناسم که ضایعه وی در اوضاع نا به سامان افغانستان غیر قابل جبران است. با تأسف! افغانستان یکی از تحلیل گران خوب اکادمیک خود را در شرایطی از دست داد که توقع زود هنگام جبران آن توسط نسل نو جنگ زده و راه گم کرده بعید از امکان است. من از سوی خود و خانواده به فامیل، اقارب و دوستان کاکړ مرحوم تسلیت عرض میکنم.

« پایان »

با تشکر از وبسایت وزین «افغان سباوون»

